

رابطه پذیرش، طرد و کنترل همسر با سازگاری روانشناختی: بررسی نقش تفاوت‌های جنسی

The Relationship of Acceptance, Rejection and Control of Spouse with Psychological Adjustment: Investigating the Role of Gender Differences^a

Parisa Seyed Mousavi, M.Sc. *

Mohammad Ali Mazaheri, Ph.D.

Saeed Ghanbari, Ph.D.

پریسا سید موسوی ^{aa}

دکتر محمدعلی مظاهری ^{aa}

دکتر سعید قنبری ^{aa}

Abstract

In attention to main postulates of the Interpersonal Acceptance-Rejection Theory, the purpose of this study was investigating the relationship of spouse acceptance, rejection and control with psychological adjustment; and also evaluating the contribution of these components in predicting psychological adjustment in women and men. For this purpose, 220 (120 women) married university students were selected from four universities in Tehran. The participants completed the Intimate Partner Acceptance-Rejection and Control and the personality assessment scales. The type of study was correlation and in addition to descriptive statistics, correlation coefficient and regression analysis were used for data analysis. The results showed that acceptance, rejection and control of spouse had significant relationships with psychological adjustment, both in men and women, but this relationships and the role of these components in predicting psychological adjustment were different for women and men. While rejection components had more negative relationships with psychological adjustment both in men and women, the negative relationship between control of spouse and psychological adjustment was stronger in men discussion is mainly focused on explaining the relationships of acceptance, rejection and

چکیده

با توجه به مفروضه‌های اصلی نظریه پذیرش - طرد بین فردی، هدف این مطالعه بررسی رابطه پذیرش، طرد و کنترل همسر با سازگاری روانشناختی افراد و تعیین سهم این مولفه‌ها در پیش بینی سازگاری روانشناختی در زنان و مردان بود. به این منظور 220 نفر (100 مرد و 120 زن) از میان دانشجویان متأهل 4 دانشگاه در تهران انتخاب شدند. آزمودنیها مقیاسهای پذیرش-طرد و کنترل شریک صمیمی و مقیاس ارزیابی شخصیت را تکمیل نمودند. نوع مطالعه، همبستگی بود و افزون بر شاخصهای توصیفی، از روشهای ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که پذیرش، طرد و کنترل همسر هم در مردان و هم زنان با سازگاری روانشناختی رابطه دارد، ولی میزان این رابطه و نقش این مولفه‌ها در پیش بینی سازگاری روانشناختی زنان و مردان متفاوت است. هم در زنان و هم در مردان، مولفه‌های طرد همسر، بیشترین رابطه منفی را با سازگاری روانشناختی داشتند. همچنین کنترل همسر در مردان رابطه منفی بیشتری با سازگاری روانشناختی داشت. در بحث پیرامون یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که پذیرش، طرد و کنترل همسر می‌تواند از طریق مکانیزمهای مفروض در نظریه دل‌بستگی و همچنین عوامل

^a Faculty of Education & Psychology, University of Shahid Beheshti, Tehran, I. R. Iran
Email: p_mousavi@sbu.ac.ir

دریافت مقاله: 1389/5/17 تصویب نهایی: 1390/1/28
^a این مقاله از طرح پژوهشی که در قطب خانواده دانشگاه شهید بهشتی در حال انجام است بر گرفته شده است.
^{aa} دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

control of spouse with psychological adjustment in terms of mechanisms of attachment theory as well as cultural factors.

Keywords: interpersonal acceptance-rejection, control, spouse, psychological adjustment, sex differences.

فرهنگی، رابطه این مولفه‌ها را با سازگاری روانشناختی تبیین نماید.

کلیدواژه‌ها: پذیرش-طرد بین فردی، کنترل، همسر، سازگاری روانشناختی، تفاوت‌های جنسی.

i i i

● مقدمه

بر اساس «نظریه پذیرش- طرد بین فردی»¹ (روهنر، خالق و کورنویر، 2007) و «نظریه دلبستگی» (بالبی، 1969؛ اینسورث، 1989) سبک‌های فرزندپروری متأثر از عشق والدین (برای مثال طرد یا پذیرش) می‌تواند بر تحول بازنمایی‌های ذهنی فرزندان درباره خودشان و درباره این‌که آنها چقدر می‌توانند انتظار داشته باشند که والدینشان به نیازهای هیجانی آنها با حساسیت و با ثبات پاسخ دهند، اثر می‌گذارد. همچنین هر دو نظریه بیان می‌کنند که این بازنماییها احتمالاً به دیگر روابط صمیمی فرد تعمیم یافته و بر ارزیابی‌ها و رفتارهای فرزندان در روابط خویش در طول زندگی تاثیر می‌گذارد (روهنر، ملندز و کرایمر، 2008). همانطور که پارک، کسیدی، بارکز، کارسون و بویوم (1992) در «نظریه دلبستگی» عنوان نموده‌اند، الگوهای کاری افراد که در خانواده‌های اصلی آنها توسعه می‌یابند، اغلب به‌عنوان الگویی برای رفتار آنها در بافت‌های اجتماعی جدید، مانند ارتباط با همسالان، عمل می‌کند. اکثر پژوهش‌های صورت گرفته بر رابطه رفتار والدین در کودکی و ویژگی‌های روانشناختی فرزندان در بزرگسالی متمرکز بوده‌اند و نشانه‌های طرد والدینی را در آنها شناسایی نموده‌اند ولی روهنر (2008) عنوان نمود که تجارب بالینی وی نشان می‌دهد افرادی که در خانواده‌های صمیمی و با محبت رشد یافته‌اند و والدینی «پذیرنده» داشته‌اند، ممکن است نشانه‌هایی همانند آنچه در فرزندان رشد یافته در خانواده‌های طرد کننده دیده می‌شود، نشان دهند. وی در مشاهداتش به این نتیجه رسید که «طرد»، توسط چهره دلبستگی در هر مقطعی از زندگی می‌تواند آثار مشابهی داشته باشد و این نقطه شروعی برای بررسی رابطه پذیرش و طرد شریک زندگی فرد با سازگاری روانشناختی وی بود.

«نظریه پذیرش- طرد بین فردی» (روهنر، 1986؛ روهنر و همکاران، 2007؛ روهنر، 2008) یک نظریه مبتنی بر شواهد درباره اجتماعی شدن و تحول در طول زندگی است و هدف آن پیش بینی و تبیین علل، پیامدها و دیگر همبسته‌های عمده پذیرش- طرد در

روابط بین فردی به شکلی جهان شمول است. بنا بر این نظریه، «پذیرش و طرد بین فردی» با هم یک پیوستار دو قطبی را به نام بعد «صمیمیت» می سازند که «پذیرش» یک طرف این پیوستار و «طرد» در طرف دیگر آن قرار می گیرد. بعد صمیمیت با کیفیت پیوند عاطفی میان افراد و رفتارهای بدنی، کلامی و نمادین افراد برای نشان دادن این احساسات ارتباط دارد. قطب پذیرش با محبت، عشق، مراقبت، آسایش، حمایت و دیگر تظاهرات مثبت و قطب طرد با فقدان یا کمبود معنادار این احساسات و رفتارها و با حضور گستره‌ای از رفتارها و عواطف آسیب‌زای جسمانی و روان شناختی مشخص می گردند. «پذیرش کلامی»² شامل تشویق، تعریف و گفتن حرفهای خوشایند، و «پذیرش فیزیکی»³ شامل بوسیدن، در آغوش گرفتن، نوازش کردن و غیره می باشد. در قطب «طرد» چهار نوع رفتار را می توانیم مشاهده کنیم: الف. «سردی و بی احساسی»⁴، که در مقابل صمیمیت و محبت است. «سردی کلامی» شامل عدم تشویق و تعریف و «سردی فیزیکی» شامل عدم نوازش، در آغوش گرفتن و بوسیدن است؛ ب. «رفتار خصمانه و پرخاشگرانه»⁵ که باز هم دارای دو بعد «کلامی» (درب‌گیرنده دشنام، سرزنش، ریشخند و گفتن حرفهای تحقیر آمیز و تهدیده کننده)، و «فیزیکی» (شامل وارد نمودن هرگونه صدمه جسمانی اعم از هل دادن، نیشگون گرفتن، کتک زدن و غیره) است؛ ج. «بی تفاوتی و نادیده گرفتن»⁶ که در برگیرنده عدم در دسترس بودن فیزیکی و روانشناختی و بی توجهی به نیازهای فرد می باشد؛ و د. «طرد نامتمایز»⁷، که منظور از این طرد این است که فرد فکر می کند چهره‌های دلبستگی وی واقعا اهمیت چندانی به او نمی دهند و دوستش ندارند، هر چند شاید نشانگر رفتاری خاصی همچون رفتارهای پرخاشگرانه، نادیده گرفتن و بی محبتی را نتوانند به طور روشنی بیان کنند. البته در ویرایش‌های جدید مقیاسهای ساخته شده برای ارزیابی ابعاد پذیرش و طرد، بعد جدیدی به‌عنوان بعد «کنترل» اضافه شده است (روه‌نر و خالق، 2005) که خود پیوستاری از سخت‌گیری تا سهل‌انگاری را شامل می‌شود.

یکی از پیش‌بینی‌های عمده این نظریه این است که طرد توسط «دیگری معنادار»⁸، جدا از تفاوت‌های فرهنگی، زبانی، نژادی و جنسی، می‌تواند آثار منفی بر سازگاری روانشناختی، کنش‌وری رفتاری و پردازش شناختی کودکان و بزرگسالان داشته باشد. در این نظریه، فرض می‌شود که چنانچه نیاز به مراقبت، توجه مثبت، حمایت و آسایش

به درستی پاسخ داده نشود، انسانها در هر کجا (هر فرهنگ و ملیتی) به شکل گیری ویژگیهای خاص رفتاری، شناختی و هیجانی گرایش می یابند که این ویژگیها در «خرده نظریه شخصیت»⁹ بحث می شوند (روهنر، 2008). این خرده نظریه عنوان می کند که ادراک طرد از سوی «دیگران معنادار» - بویژه چهره های دلبستگی - می تواند منجر به اضطراب و حس نایمنی گردد. افزون بر این، انتظار می رود که ادراک طرد موجب شکل گیری هفت ویژگی شخصیتی شامل موارد زیر گردد: 1. خشم، پرخاشگری، پرخاشگری منفعلانه، یا مشکل در مدیریت رفتار خصمانه و خشم؛ 2. وابستگی یا استقلال دفاعی، حساسیت به فراوانی، زمان، شدت و شکل طرد؛ 3. حرمت خود آسیب دیده؛ 4. خود کارآمدی آسیب دیده؛ 5. عدم پاسخدهی هیجانی؛ 6. بی ثباتی هیجانی و 7. دیدگاه منفی نسبت به دنیا (روهنر، 2004؛ روهنر و همکاران، 2007).

با توجه به مشاهداتی که در خصوص تاثیر طرد و پذیرش شریک زندگی بر سازگاری و ویژگیهای شخصیتی فرد به دست آمد، توجه ویژه ای در خصوص تاثیر احتمالی طرد و پذیرش چهره های دیگر دلبستگی در طول زندگی بر سازگاری فرد و تعدیل یا تغییر تاثیر طرد و پذیرش والدین در این نظریه صورت گرفت (روهنر، 2008). نتایج پژوهشهای صورت گرفته در ایالات متحده از مفاهیم این نظریه در خصوص رابطه والد - کودک حمایت می کرد (روهنر، 2007) ولی بررسی این مقوله ها در میان روابط صمیمی بزرگسالان اخیرا آغاز شده است. بنا بر این نوع نتایج و کاستی هایی که درباره تاثیر شریک صمیمی وجود داشت، مطالعات گسترده ای برای بررسی پیامدهای پذیرش - طرد شریک زندگی در فرهنگ های مختلف انجام شد. در این مطالعات که در فرهنگ های همچون ژاپن، کره، فنلاند، پورتوریکو، کویت، امریکا و هند انجام شد، نتایج تا حد زیادی تایید کننده نظریه بود و از بین 48 همبستگی بدست آمده، تنها 5 همبستگی متفاوت بدست آمد. برای مثال، سازگاری روانشناختی مردان فنلاندی رابطه معناداری با احساسات فرد درباره پذیرش شریکش نداشت، ولی در زنان این رابطه معنادار بود. همچنین سازگاری روانشناختی مردان ژاپنی رابطه معناداری با پذیرش شریک و پدر نداشت ولی با پذیرش مادر رابطه معنادار داشت. از سوی دیگر سازگاری زنان ژاپنی هم با پذیرش شریک صمیمی و هم پدر رابطه معنادار داشته ولی با پذیرش مادر رابطه معناداری نداشت (روهنر، 2008). از میان کشورهای واقع در خاور

میان، مطالعه انجام شده در کویت (پارمار، ابراهیم و روهنر، 2008) نشان داد که پذیرش بیشتر از سوی همسر با سازگاری بیشتر هم در زنان و هم در مردان رابطه دارد. همانطور که ملاحظه می شود با وجود تایید مولفه های اصلی نظریه در فرهنگ های مختلف، اختلاف های فرهنگی موجود بارز و قابل تامل است. نتایج مطالعات بین فرهنگی نشان می دهد که تاثیر و نقش شریک زندگی با توجه به جنس آنها ممکن است کاملا با هم متفاوت و گاهی حتی متضاد باشد. جدا از تاثیر خانواده در فرهنگ های مختلف، پژوهش های صورت گرفته در ایران و سوابق تاریخی نشان می دهد که «خانواده» همواره در ایران از نقش بسزایی برخوردار بوده است. برخی مطالعات اخیر نشان می دهد که مخالفت والدین با نوع ازدواج یا شریک انتخابی جوانان نقش مهمی در سازگاری زناشویی آنان بعد از ازدواج دارد. همچنین در مطالعه گسترده ای که در خصوص طلاق در ایران انجام شد (مظاهری و همکاران، 1387) نشان داده شد که تحقیقات انجام شده در ایران مبین نقش مهم خانواده در سازگاری زناشویی و طلاق است. با توجه به آغاز مطالعه بین فرهنگی این نظریه، عدم بررسی آن در فرهنگ ایرانی، و اصول و فرضیه های اصلی نظریه پذیرش - طرد - کنترل بین فردی (روهنر، 2008)، «هدف اصلی این طرح پژوهشی بررسی نظریه مذکور در فرهنگ ایرانی، یعنی بررسی نقش پذیرش - طرد و کنترل همسران در سازگاری روانشناختی یکدیگر و مقایسه تفاوت های جنسی» بود.

● روش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش های ارتباطی و همبستگی می باشد. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از شاخص های توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون، مقایسه میانگینها و تحلیل رگرسیون) استفاده شد.

؛ «جامعه پژوهش» شامل همه دانشجویان زن و مرد متاهل مشغول به تحصیل در دانشگاه های شهر تهران بود. بر اساس طرح پژوهش و تعداد متغیرها، تعداد 220 دانشجوی متاهل (120 زن) از بین دانشجویان متاهل دانشگاه های تهران به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. بدین منظور از بین دانشگاه های شهر تهران، 4 دانشگاه (شهید بهشتی، تهران، تربیت مدرس و علامه طباطبائی) به صورت در دسترس انتخاب و پرسشنامه های مورد نظر توسط دانشجویان متاهل این دانشگاه ها، هم در

سطح دانشگاه و هم در خوابگاه‌های متاهلین تکمیل شدند. گروه نمونه از نظر سنی در محدوده 18 تا 35 سال (میانگین سنی زنان برابر با 22 و مردان برابر با 27/5 بود) بودند. ابزار: پرسشنامه‌هایی برای این مطالعه استفاده می‌شود که همگی آنها برگرفته از نظریه پذیرش - طرد (روه‌نر و خالق، 2005a) بوده است. تمام پرسشنامه‌ها به زبان فارسی ترجمه شده و پس از تایید مقدماتی ترجمه‌ها، دوباره به زبان انگلیسی برگردانده شده، تا امکان مقایسه و تایید نهایی ترجمه‌ها فراهم شود.

الف- پرسشنامه پذیرش، طرد و کنترل شریک صمیمی: ¹⁰ این پرسشنامه به منظور ارزیابی ادراک فرد از ابعاد رفتاری پذیرش، طرد و کنترل شریک زندگی خویش (روه‌نر، 2005) استفاده می‌شود که شامل 72 سوال بوده و پاسخ‌ها بر روی یک مقیاس لیکرت 4 درجه ای از 1 (تقریباً هرگز) تا 4 (تقریباً همیشه) نمره گذاری می‌شود. این پرسشنامه دارای 5 زیر مقیاس می‌باشد: 1. «صمیمیت/ محبت»، 2. «رفتار خصمانه/ پرخاشگری»، 3. «بی تفاوتی/ نادیده گرفتن»، 4. «طرد تمایز نیافتن» و 5. «کنترل رفتاری». شواهد مطالعات روه‌نر (2005d) نشان می‌دهد که پرسشنامه از اعتبار و روایی خوبی برخوردار است. در آخرین مطالعه روه‌نر و خالق (2008) ثبات و ضریب آلفای آن برابر با 0/85 بدست آمده است (روه‌نر و همکاران، 2008). ثبات درونی آزمون در این پژوهش برای مقیاس پذیرش، طرد و کنترل به ترتیب برابر با آلفای 0/97، 0/98 و 0/93 بدست آمد. اعتبار آزمون باز-آزمون نیز که در این مطالعه بررسی شد، با فاصله 3 ماه برابر با 0/76 بود.

ب- پرسشنامه ارزیابی شخصیت ¹¹ (فرم بزرگسالان): این پرسشنامه برای ارزیابی سازگاری روانشناختی و کنش‌وری فرد (روه‌نر و خالق، 2005) استفاده می‌شود. این پرسشنامه دارای 63 سوال می‌باشد و شامل هفت زیر مقیاس 1. «پر خاشگری/ رفتار خصمانه»، 2. «وابستگی»، 3. «حرمت خود منفی»، 4. «بی ثباتی هیجانی»، 5. «خود کارآمدی منفی»، 6. «عدم پاسخدهی هیجانی» و 7. «دیدگاه منفی نسبت به دنیا» می‌باشد. پاسخها بر روی مقیاس لیکرت 4 درجه ای از 1 (تقریباً هرگز) تا 4 (تقریباً همیشه) درجه بندی می‌شود. ثبات درونی آزمون برابر با آلفای 0/94 بدست آمده است (روه‌نر و همکاران، 2008). در این پژوهش نیز ثبات درونی آزمون برابر با آلفای 0/97 بدست آمد. همچنین اعتبار آزمون باز-آزمون نیز که در این مطالعه بررسی شد، با فاصله 3 ماه

برابر با 0/82 بود.

۱ روند اجرای پژوهش: پس از انتخاب گروه نمونه از میان دانشگاههای ذکر شده، پرسشنامه‌ها بین دانشجویان توزیع و پس از تکمیل توسط آنها، بر اساس معیارهای این نظریه که به‌طورحتم، همسر در نقش چهره دلبستگی معنادار برای فرد باشد بررسی شد. به‌این منظور از پرسشنامه تهیه‌شده توسط روهنر وهمکارانش برای ارزیابی نقش شریک صمیمی استفاده گردید که چهره دلبستگی حقیقی را از دیگران متمایز می‌کند. از میان افراد شرکت‌کننده تنها در حدود 5 نفر به‌دلیل نداشتن این معیار کنار گذاشته شدند.

• نتایج

پیش از ارائه شاخصهای توصیفی و استنباطی اشاره‌ای به برخی از یافته‌های جمعیت‌شناختی این پژوهش می‌کنیم. حدود 70 درصد از آزمودنیها در مقطع کارشناسی، 18 درصد در مقطع کارشناسی ارشد و بقیه در مقطع دکتری مشغول به تحصیل بودند. حدود 85 درصد از آزمودنیها در مقطع تحصیلی مشابهی با همسر خود قرار داشتند. میانگین مدت ازدواج در زنان 28 ماه و در مردان 32 ماه بود. میانگین فاصله سنی زوجین در زنان برابر 3 سال و 8 ماه و در مردان برابر 2 سال بود. همچنین از میان زنان، تنها 5 نفر و از میان مردان 4 نفر دارای فرزند (یک فرزند) بودند. نتایج مربوط به مشخصه‌های توصیفی داده‌ها در جدول 1 نشان داده شده است. همچنان که در این جدول مشاهده می‌شود بیشتر شرکت‌کنندگان همسران خود را بیشتر «پذیرنده»، ادراک نموده‌اند تا طردکننده. همچنین میانگین نمره سازگاری روانشناختی نیز مبین وضعیت نسبتاً خوب آزمودنیها بود. به‌طور کلی هر چند تفاوت‌هایی در برخی از میانگینها دیده می‌شود ولی هیچکدام از آنها از لحاظ آماری معنادار نبودند.

برای بررسی ارتباط میان متغیرهای پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن را در جدول 2 ملاحظه می‌شود. همانطور که نتایج نشان می‌دهد هم در زنان و هم در مردان رابطه نیرومندی میان نمره کل پذیرش - طرد همسر با سازگاری روانشناختی وجود دارد. نتایج موید آن است که نقش پذیرش همسر در مردان ($r=0/74$) و زنان ($r=0/75$) مشابه است. در زنان، مولفه‌های طرد همسر بیشترین رابطه ($-0/76$) و کنترل همسر کمترین رابطه ($r=0/58$)؛ و در مردان، نادیده گرفتن ($r=0/80$)

جدول 1- شاخصهای توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	جنس		زنان		مردان		کل	
	شاخصهای توصیفی	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین
صمیمیت		68/85	12/45	68/64	11/42	68/80	11/97	68/80
پرخاشگری		23/48	9/09	23/36	7/65	23/42	8/45	23/42
نادیده گرفتن		24/22	8/88	21/82	8/88	23/13	8/94	23/13
طرد نامتمایز		16/90	6/54	15/68	6/48	16/34	6/53	16/34
کنترل		30/81	10/46	32/64	9/30	31/64	9/97	31/64
نمره کل پذیرش-طرد		95/65	35/28	92/28	32/64	94/12	34/07	94/12
رفتار خصمانه		16/71	3/73	17/09	3/80	16/88	3/76	16/88
وابستگی		24/69	5/14	21/44	4/73	23/21	5/21	23/21
حرمت خود منفی		16/65	6/05	17/39	5/48	16/98	5/80	16/98
خود کارآمدی منفی		18/05	5/11	17/11	4/48	17/62	4/85	17/62
عدم پاسخدهی		17/30	5/97	17/41	6/30	17/35	6/10	17/35
بی ثباتی هیجانی		21/00	5/16	19/14	5/30	20/15	5/29	20/15
جهان بینی منفی		16/12	6/13	16/15	6/07	16/13	6/09	16/13
نمره کل عدم سازگاری روانشناختی		130/55	30/07	125/73	31/84	128/35	30/91	128/35

و طرد نامتمایز ($r=0/81$)، بیشترین رابطه را با عدم سازگاری روانشناختی داشتند. همچنین مولفه کنترل در مردان ($r=0/77$) رابطه بیشتری با عدم سازگاری روانشناختی داشت.

جدول 2: همبستگی متغیرهای پژوهش در زنان و مردان

متغیرها	جنس	رفتار خصمانه	وابستگی	حرمت خود منفی	خود کارآمدی منفی	عدم پاسخدهی	بی ثباتی هیجانی	جهان بینی منفی	نمره کل عدم سازگاری روانشناختی
صمیمیت	زنان	-0/35	-0/25	-0/71	-0/70	-0/68	-0/47	-0/52	-0/67
	مردان	-0/14	-0/35	-0/64	-0/51	-0/53	-0/51	-0/50	-0/54
پرخاشگری	زنان	0/45	0/27	0/74	0/72	0/69	0/57	0/60	0/73
	مردان	0/40	0/50	0/80	0/75	0/75	0/68	0/70	0/76
نادیده گرفتن	زنان	0/38	0/32	0/76	0/68	0/74	0/52	0/57	0/72
	مردان	0/33	0/56	0/85	0/78	0/80	0/74	0/73	0/80
طرد نامتمایز	زنان	0/48	0/38	0/77	0/66	0/72	0/58	0/60	0/76
	مردان	0/40	0/66	0/84	0/81	0/76	0/74	0/68	0/81
کنترل	زنان	0/38	0/26	0/54	0/56	0/52	0/50	0/46	0/58
	مردان	0/45	0/63	0/79	0/81	0/75	0/72	0/56	0/77
نمره کل پذیرش-طرد	زنان	0/43	0/31	0/77	0/73	0/74	0/55	0/59	0/75
	مردان	0/31	0/52	0/81	0/73	0/73	0/69	0/67	0/74

* تمام همبستگیها در سطح 0/001 معنادار می باشند.

با توجه به معنادار بودن همبستگی‌ها، به منظور بررسی نقش پذیرش همسر در پیش بینی سازگاری روانشناختی در زنان و مردان از تحلیل رگرسیون استفاده شد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که نمره کل پذیرش - طرد و کنترل همسر می‌تواند در مردان 65 درصد ($F= 87/96, Sig= 0/001$) و در زنان 56 درصد ($F= 74/03, Sig= 0/001$) از تغییرات واریانس سازگاری روانشناختی را تبیین نماید. در مرحله بعدی به منظور ارزیابی نقش مولفه‌های پذیرش و طرد و کنترل همسر از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد. نتایج مربوط به ضرایب رگرسیون نشان داد که از میان متغیرهای وارد شده در تحلیل، در زنان تنها ضریب بتای متغیرهای نادیده گرفتن و طرد نامتمایز و در مردان ضریب بتای متغیرهای صمیمیت، طرد نامتمایز و نادیده گرفتن پس از کنترل اثر متغیرهای دیگر معنادار بودند. یافته‌های این تحلیل را در جدول‌های 3 و 4 مشاهده می‌کنید.

جدول 3: نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام ابعاد پذیرش، طرد و کنترل همسر بر سازگاری روانشناختی زنان و مردان

مدل	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	sig
زنان					
1 طرد نامتمایز	رگرسیون	1	61994/56	/280	0/001
	باقیمانده	118	386/789	160	
	کل	119			
2 طرد نامتمایز، نادیده گرفتن	رگرسیون	2	31833/010	84/70	0/001
	باقیمانده	117	375/809		
	کل	119			
مردان					
1 طرد نامتمایز	رگرسیون	1	65498/95	/99	0/001
	باقیمانده	98	355/98	183	
	کل	99			
2 طرد نامتمایز، صمیمیت	رگرسیون	2	35295/35	/90	0/001
	باقیمانده	97	307/16	114	
	کل	99			
3 طرد نامتمایز، صمیمیت، نادیده گرفتن	رگرسیون	3	27178/95	/42	0/001
	باقیمانده	96	196/34	138	
	کل	99			

جدول 4: ضرایب رگرسیون مربوط به تحلیل رگرسیون گام به گام ابعاد پذیرش، طرد و کنترل همسر بر سازگاری روانشناختی زنان و مردان

مدل	ضریب تبیین	خطای معیار برآورد	Beta	t	sig
زنان					
1 طرد نامتمایز	0/57	19/66	0/76	12/66	0/001
2 طرد نامتمایز، نادیده گرفتن	0/59	19/38	0/54	4/44	0/001
			0/26	2/10	0/037
مردان					
1 طرد نامتمایز	0/65	18/86	0/81	13/56	0/001
2 طرد نامتمایز، صمیمیت	0/70	17/52	1/13	11/66	0/001
			0/40	4/07	0/001
3 طرد نامتمایز، صمیمیت، نادیده گرفتن	0/81	14/01	0/51	4/47	0/001
			0/81	8/48	0/001
			1/04	7/46	0/001

● بحث نتیجه گیری

هدف این مطالعه «بررسی نقش پذیرش و طرد همسر در سازگاری روانشناختی افراد بود». نتایج پژوهش نشان داد که هم در زنان و هم در مردان، پذیرش و طرد همسر رابطه معناداری با سازگاری روانشناختی دارد. نتایج مربوط به بررسی تفاوت‌های جنسی، با توجه به هدف پژوهش، نیز نشان داد که هر چند پذیرش و طرد همسر برای هر دو جنس نقش معناداری دارد ولی این نقش با توجه به جنس می‌تواند در برخی موارد مشابه و در برخی متفاوت باشد. برای مثال، نتایج این پژوهش موید آن بود که در هر دو جنس رابطه مولفه‌های «طرد» در عدم سازگاری روانشناختی بیش از مولفه صمیمیت که به نوعی معرف «پذیرش» است، می‌باشد، البته این اختلاف در مورد مردان بیشتر بود. از سوی دیگر نتایج نشان داد که مولفه کنترل در زنان رابطه کمی با سازگاری روانشناختی دارد، در صورتی که این رابطه در مردان قوی بود. نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون، اطلاعات ما را از نقش مولفه‌های پذیرش و طرد در زنان و مردان کامل تر نمود. نتایج نشان داد که هم در زنان و هم در مردان، نقش عامل‌های نادیده گرفتن و طرد نامتمایز حتی پس از کنترل اثر متغیرهای دیگر معنادار هستند، البته در مردان، افزون بر این مولفه‌ها، مولفه صمیمیت نیز نقش معناداری داشت، این مولفه در

زنان نیز اهمیت زیادی داشت هر چند معنادار نبود. به طور کلی نتایج نشان داد که این سه مولفه در هر دو جنس از اهمیت بالایی برخوردار است. همچنین نتایج مبین آن بود که نقش پیش بینی کننده پذیرش-طرد در سازگاری روانشناختی مردان بیش از زنان است.

؛ با اینکه مطالعات چندی روی رابطه سبک‌های دلبستگی و سازگاری زناشویی انجام شده است ولی تا به حال مطالعات اندکی روی رابطه مولفه‌های ایجاد کننده آمادگی برای دلبستگی نایمن در بزرگسالی و در ارتباط با همسر متمرکز شده و کمتر مطالعه ای تاثیر مولفه‌های ارتباطی همسران را روی برخی ویژگیهای شخصیتی آنان بررسی نموده است. با این وجود بررسی انجام شده روی نظریه پذیرش و طرد بین فردی در فرهنگهای مختلف نشان داده که نقش «همسر» در سازگاری روانشناختی افراد مهم است، هر چند که این نقش در فرهنگهای مختلف میزان شدت متفاوتی داشته است. برای مثال، سازگاری روانشناختی مردان فنلاندی رابطه معناداری با احساسات فرد درباره پذیرش شریکش نداشت، ولی این رابطه در زنان رابطه معنادار بود (روهنر، 2008). نتایج مطالعه در هند (پارمار و روهنر، 2008) و ژاپن (روهنر، یودین، شامسوناهر و خالق، 2008) نشان داد که پذیرش همسر با سازگاری روانشناختی در زنان و مردان رابطه معنادار ندارد. چیونگ و لی (2008) در مطالعه خود روی جامعه کره ای به این نتیجه رسیدند که ادراک افراد از پذیرش شریک صمیمی تنها با سازگاری روانشناختی مردان رابطه مثبت معناداری آنان دارد. از میان کشورهای واقع در خاور میانه، مطالعه انجام شده در کویت (پارمار و همکاران، 2008) نشان داد که پذیرش بیشتر از سوی همسر با سازگاری بیشتر در زنان و در مردان رابطه دارد. مطالعه‌ای که بر روی افراد پورتوریکویی و کلمبیایی انجام شد (ریپول - نونز و آلوارز، 2008) نشان داد که پذیرش شریک صمیمی رابطه معناداری با سازگاری روانشناختی در مردان و زنان دارد، ولی این رابطه در زنان قوی تر است. در امریکا (روهنر و همکاران، 2008) نیز رابطه پذیرش شریک صمیمی با سازگاری روانشناختی هم در زنان و هم مردان معنادار بود. همانطور که مشاهده می‌شود، نتایج مطالعات تقریباً در همه جا نشان دهنده اهمیت پذیرش و طرد همسر یا شریک صمیمی است ولی در برخی این رابطه در یکی از دو جنس نیرومند تر است.

؛ دیگر مطالعاتی که در این حیطه صورت گرفته است نیز به نوعی همسو با نتایج مطالعه حاضر است. برای مثال، (2007) نشان داد که پذیرش نسبت به رفتارهای جستجوی نزدیکی و وابستگی از سوی شریک صمیمی می تواند موجب وابستگی کمتر، کنش وری خود مختار و خود کارآمدی بیشتر شود. همچنین کرنیز (2003) نیز در مطالعه ای نشان داد که تعامل با چهره دلبستگی دوست داشتنی، در دسترس و پذیرنده می تواند موجب حس باارزش بودن در فرد شود.

؛ شاید بتوان گفت که استفاده از مفروضه‌های نظریه دلبستگی برای تبیین رابطه میان مولفه‌های پذیرش و طرد و سازگاری روانشناختی مناسب تر از هر دیدگاهی باشد، بویژه آنکه مفروضه‌های «نظریه پذیرش - طرد» بین فردی برگرفته از نظریه دلبستگی می باشد. بر اساس نظر بالبی (1982/1969) تعامل میان نظام دلبستگی و دیگر نظام‌های رفتاری نقش مهمی در تحول دانش و مهارت‌های فردی، گشودن ذهن فرد نسبت به احتمالات، امکانات و رویکردهای جدید و کمک به فرد برای انعطاف پذیری بیشتر نسبت به موقعیتهای جدید دارد. بنا به عقیده میکولینسر و شاور (2007) یک دلیل این امر آن است که تعاملات تسهیل کننده ایمنی می تواند احساس اضطراب، گوش به زنگی و اشتغال مفرط به افکار مربوط به دلبستگی را کاهش دهد و به فرد اجازه دهد تا توجه و تلاش بیشتری در جهت رشد شخصی نشان دهد. همچنین این تعاملات احساس ایمنی را فراهم می کند که موجب خطر کردن‌های حساب شده و پذیرفتن چالش‌های مهم می شود. در چنین شرایطی فرد به شریک زندگی خود احساس اعتماد می کند و برای تصور است که در موقع نیاز از حمایت شریکش برخوردار است و می داند که او حتی در صورت رخ دادن برخی اشتباهات یا تصمیم گیری‌های اشتباه، او را دوست دارد و می پذیرد.

؛ نتایج برخی مطالعات دیگر نیز می تواند در زمینه درک رابطه همسران با هم و سازگاری آنها مفید باشد. مثلا، مطالعه فینی و کولینز (2001) نشان داد که احساس ایمنی بیشتر در رابطه با رفتار همدلانه بیشتر رابطه دارد. جویرمن، نیدهام و کومینگز (2002) نیز نشان دادند که احساس ایمنی بیشتر در رابطه موجب درک بهتر فرد مقابل می شود. کولینز هم اشاره نمود فردی که در رابطه با دیگری احساس امنیت بیشتری دارد، مسئولیت بیشتری در خصوص آسایش وی به عهده می گیرد.

i با توجه به یافته‌های این پژوهش و مطالعات دیگر و همچنین مفروضه‌های نظریه دلبستگی، می‌توان نتیجه گرفت که پذیرش همسر موجب نوعی احساس ایمنی در وی می‌شود که این احساس زمینه را برای رشد شخصی و سازگاری بیشتر با محیط زندگی و دیگر افراد فراهم می‌کند. از سوی دیگر طرد از جانب همسر موجب نایمنی می‌گردد که به ارتباطات فرد با دیگران نیز گسترش می‌یابد و موجب آمادگی برای اضطراب، درماندگی و وابستگی بیشتر وی می‌شود. از سوی دیگر به نظر می‌رسد این رفتارها در چرخه‌ای با یکدیگر ارتباط می‌یابند. بدین معنا که پذیرش بیشتر همسر موجب بازخوردهای مناسب‌تر از طرف مقابل می‌شود که این به نوبه خود پذیرش بیشتر همسر را در پی دارد. همچنین طرد از سوی همسر نیز موجب پرخاشگری، نارضایتی یا نوعی وابستگی می‌شود که زمینه را برای رفتارهای ناسازگارانه فراهم می‌کند و این امر طرد بیشتر از جانب همسر را در پی خواهد داشت. در ارتباط با کنترل همسر نیز به نظر می‌رسد با توجه به باورهای فرهنگی که آزادی را برای مردان بیش از زنان می‌پذیرد و تشویق می‌کند، کنترل از سوی همسر آثار منفی بیشتری بر سازگاری مردان می‌گذارد، به نوعی می‌توان گفت که زنان در مقابل کنترل همسر انعطاف پذیری بیشتری نشان می‌دهند. البته این نتایج باید در مطالعات بیشتری مورد بررسی قرار گیرد تا درک ما را از روابط موجود روشن‌تر سازد.

به طور کلی مطالعه حاضر نشان داد که نقش «همسر» در سازگاری روانشناختی مردان و زنان ایرانی مهم و قابل‌تأمل است. چنانچه قبلاً نیز اشاره شد، در برخی فرهنگها، حتی فرهنگهای شرقی مانند هند و ژاپن، این رابطه معنادار نبوده است و نتایج آنها نشان دهنده اهمیت بیشتر والدین می‌باشد. به نظر می‌رسد نتایج بدست آمده در ایران بیش از همه به نتایج مطالعات انجام شده در کویت و امریکا شباهت دارد. برای درک مکانیزمهای زیر بنایی این تفاوتها به مطالعات بیشتری بر روی ساختار خانواده‌های جدید نیازمندیم. همینطور یافته‌های پژوهش می‌تواند راهگشای تحقیقات بعدی در خصوص مشکلات خانوادگی باشد. با توجه به اهمیت مولفه‌های پذیرش، طرد و کنترل بین فردی در سازگاری روانشناختی افراد، می‌توان از این عوامل در شناسایی و پیش‌بینی سازگاری زناشویی و پیامدهای دیگر مربوط به آن نیز استفاده نمود. همچنین بررسی عوامل خانوادگی موثر بر این رابطه می‌تواند ما را در شناسایی

هر چه بیشتر فرایند تاثیر گذاری پذیرش و طرد بین فردی چه در سطح خانواده اصلی و چه روابط زناشویی، یاری رساند.

i i i

یادداشت‌ها

- 1- Interpersonal acceptance-rejection theory
- 2- verbal acceptance
- 3- physical acceptance
- 4- cold and unaffectionate
- 5- hostile and aggressive behaviors
- 6- indifferent and neglect
- 7- undifferentiated rejection
- 8- significant others
- 9- subtheory of personality
- 10- Intimate Partner Acceptance- Rejection/ Control Questionnaire
- 11- Personality Assessment Questionnaire (PAQ)

منابع

- مظاهری، علی و همکاران (1387). اصول، سیاستها، راهبردها و راهکارهای کنترل و کاهش طلاق در کشور، طرح پژوهشی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- Ainsworth, M. D. S. (1989). Attachments beyond infancy. *American Psychologist*, 44, 709-716.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss: Vol. I. Attachment*. New York: Basic Books.
- Chyung, Y., & Lee, J. (2008). Intimate partner acceptance, remembered parental acceptance in childhood, and psychological adjustment among Korean college Students in Ongoing Intimate Relationships. *Cross-Cultural Research*, 42 (1), 77-86.
- Feeney, B. C. (2007). The dependency paradox in close relationship: Accepting dependence promotes independence. *Journal of Personality and Social Psychology*, 92, 268-285.
- Feeney, B. C., & Collins, N. L. (2001). Predictors of caregiving in adult intimate relationships: An attachment theoretical perspective. *Journal of Personality and Social Psychology*, 80, 927-994.
- Joireman, J. A., Needham, T. L., & Cummings, A. L. (2002). Relationship between dimensions of attachment and empathy. *North American Journal of Psychology*, 4, 63-80.
- Kernis, M. H. (2003). Toward a conceptualization of optimal self-esteem. *Psychological Inquiry*, 14, 1-26.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2007). *Attachment in adulthood: Structure, dynamics and changes*. New York: Guilford Press.
- Parke, R. D., Cassidy, J., Burks, V. M., Carson, J. L., & Boyum, L. A. (1992). Familial contributions to peer competence among young children: The role of interactive and

- affective processes. In R. D. Parke & G. W. Lodt (Eds.), *Family-peer relationships: Modes of linkage* (pp. 101-134). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Parmar, P. & Rohner, R. P. (2008). Relations among spouse acceptance, remembered parental acceptance in childhood, and psychological adjustment among married adults in India. *Cross-Cultural Research, 42* (1), 57- 66.
- Parmar, P., Ibrahim, M., & Rohner, R. P. (2008). Relations among perceived spouse acceptance, remembered parental acceptance in childhood, and psychological adjustment among married adults in Kuwait. *Cross-Cultural Research, 42* (1), 67-76.
- Ripoll-Núñez, K., & Alvarez, C. (2008). Perceived intimate partner acceptance, remembered parental acceptance, and psychological adjustment among colombian and puerto rican youths and adults. *Cross-Cultural Research, 42* (1), 23-34.
- Rohner, R. P. (1986). *The warmth dimension: Foundations of parental acceptance-rejection theory*. Storrs, CT: Rohner Research Publications.
- Rohner, R. P. (2004). The parental "acceptance-rejection syndrome": Universal correlates of perceived rejection. *American Psychologist, 59*, 827-840.
- Rohner, R. P. (2005a). Glossary of significant concepts in parental acceptance-rejection theory. In R. P. Rohner & A. Khaleque (Eds.), *Handbook for the study of parental acceptance and rejection* (4th ed., pp. 379-398). Storrs, CT: Rohner Research Publications.
- Rohner, R. P. (2005b). Intimate Partner Acceptance-Rejection/Control Questionnaire (IPAR/CQ): Test manual. In R. P. Rohner & A. Khaleque (Eds.), *Handbook for the study of parental acceptance and rejection* (4th ed., pp. 227-250). Storrs, CT: Rohner Research Publications.
- Rohner, R. P. (2005c). Intimate Partner Attachment Questionnaire. In R. P. Rohner & A. Khaleque (Eds.), *Handbook for the study of parental acceptance and rejection* (4th ed., pp. 243-250). Storrs, CT: Rohner Research Publications.
- Rohner, R. P. (2005d). Parental Acceptance-Rejection/Control Questionnaire (PARQ/Control): Test manual. In R. P. Rohner & A. Khaleque (Eds.), *Handbook for the study of parental acceptance and rejection* (4th ed., pp. 137-186). Storrs, CT: Rohner Research Publications.
- Rohner, R. P. (2007a). *Extended bibliography of acceptance-rejection writings*. Retrieved September 6, 2007, from University of Connecticut, Center for the Study of Parental Acceptance and Rejection Web site: www.cspar.uconn.edu.
- Rohner, R. P. (2007b). Intimate Adult Relationship Questionnaire (IARQ). In R. P. Rohner, *Measures for use in parental acceptance-rejection theory research* (pp. 94-99). Unpublished manuscript, University of Connecticut, Storrs.
- Rohner, R. P. (2008). Introduction to parental acceptance-rejection theory studies of intimate adult relationships. *Cross-Cultural Research, 42*.

- Rohner, R. P., & Khaleque, A. (2005). Personality Assessment Questionnaire (PAQ): Test manual. In R. P. Rohner & A. Khaleque (Eds.), *Handbook for the study of parental acceptance and rejection* (4th ed., pp. 187-226). Storrs, CT: Rohner Research Publications.
- Rohner, R. P., Khaleque, A., & Cournoyer, D. E. (2007). *Introduction to parental acceptance/rejection theory, methods, evidence, and implications*. Retrieved September 10, 2007, from University of Connecticut, Center for the Study of Parental Acceptance and Rejection Web site: www.cspar.uconn.edu.
- Rohner, R. P., Melendez, T., & Kraimer-Rickaby, L. (2008). Intimate partner acceptance, parental acceptance in childhood, and psychological adjustment among american adults in ongoing attachment relationships. *Cross-Cultural Research*, 42 (1), 13-22.
- Rohner, R. P., Uddin, M. K., Shamsunnaheer, M., & Khaleque, A. (2008). Intimate partner acceptance, parental acceptance in childhood, and psychological adjustment among Japanese adults. *Cross Cultural Research*, 42 (1), 87-97.

